



نگاهی به عملکرد فرهنگی دولت چهاردهم

مدارا و مدیریت



گزارش

گروه فرهنگی

عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم حاوی ۴ رکن است: مردمی سازی و عدالت فرهنگی، به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای بهبود قواننگذاری، رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی و پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی-اسلامی. این ارکان بیانگر الگوی نوین حکمرانی فرهنگی کشور هستند. در این گزارش، چهار رکن مذکور مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد.

کلان برنامه‌ا: مردمی سازی و عدالت فرهنگی

تعریف سیاست‌ها: احیای محوریت مردم و اهالی فرهنگ و هنر در نظام فرهنگی کشور و میدان سپاری حداکثری به آنها در تولید و عرضه فرهنگی، شناسایی و توانمندسازی ظرفیت‌های مردمی در حوزه فرهنگ و هنر، کاهش تصدی گری دولت و واگذاری امور به تشکل‌های صنفی، مشارکت مردم و اهالی فرهنگ و هنر در تصمیم‌سازی و

سیاست‌گذاری.

در راستای همین سیاست‌ها می‌توان به اقداماتی چون راه‌اندازی مجدد کمیته شفاف‌سازی (بیش از ۲۰۰ سند پارگذاری شد)، مصوبه بازگشت اختیارات وزارتخانه در واردات ماشین‌آلات چاپ، طرح «مهر تحصیلی» - کمک هزینه تحصیلی دانش‌آموزان، تهیه لوازم التحریر، کیف، کفش و... ۲۴ هزار و ۴۶۰ دانش‌آموز، پرداخت بیش از ۶۰٪ سهم بیمه تأمین اجتماعی هنرمندان در سال ۱۴۰۳، بیش از ۱۸ کتابخانه جدید به‌صورت شهری، روستایی، سار، هدهد سفید، در دست‌نکار قرار گرفتن نامگذاری روز هم از ۲۰۰ کتابخانه اجتماعی و سیاسی طی چندسال اخیر چالش‌های جدی‌ای را در مسیر کاری او ایجاد کرده است. یکی از این چالش‌های اساسی ممنوع‌الکاری بسپاری از چهره‌های مطرح فرهنگی و

کاهش فاصله هنرمندان با دولت و افزایش امیدآفرینی در جامعه
اگرچه تکیه بر منصب فرهنگی کشور در ارائه برنامه‌های تجربه‌ای دوباره است اما تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی طی چندسال اخیر چالش‌های جدی‌ای را در مسیر کاری او ایجاد کرده است. یکی از این چالش‌های اساسی ممنوع‌الکاری بسپاری از چهره‌های مطرح فرهنگی و

هنری بود. از این رو رفع ممنوع الکاری برخی از هنرمندان با همراهی و همکاری نهادهای دیگر و قوه قضائیه در اولویت قرار گرفت. در ادامه سیاست کاهش فاصله هنرمندان با دولتمردان، دیدار با بزرگان و نامداران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه یکی از برنامه‌هایی است که با همراهی رئیس‌جمهوری، وزیر فرهنگ و معاونین در سطح تهران و شهرستان‌ها انجام می‌شود. از این جمله می‌توان به: دیدار با استاد محمدعلی موحد، فریدون صدیقی، گیانوش عیاری، مرحوم محمود حکیمی، ثمینه باغچه‌بان، واروژ کریم مسیحی، شرکت در کنسرت استاد فخرالدینی و دیدار با استاد داوری اردکانی اشاره کرد که پیامدهای مثبتی در سطح جامعه فرهنگی داشته است.

توزیع عادلانه منابع، یارانه‌ها و تسهیلات مالی و پولی حوزه فرهنگ

اعطای ۱۳۶ فقره تسهیلات در حوزه ستادی به مبلغ ۹۷/۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۱۸ فقره تسهیلات به معاونت سینمایی ۱۱/۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق صندوق قرض‌الحسنه کارکنان، همچنین پرداخت ۲۰۰ میلیارد ریال یارانه مستقیم به رسانه‌ها و تخصیص ۱۴۱ تن کاغذ تحریری به ۲۰۳ رسانه مکتوب از جمله اقدامات در این زمینه بود.



تغییر موازنه مصرف فرهنگی

رویکرد فرهنگی در دولت چهاردهم این است که مصرف فرهنگی در بخش‌هایی مثل کتابخوانی، سینما، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی متوازن‌تر شود و مردمی که بیشتر به مصرف رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی روی آورده‌اند به سمت کتاب، تئاتر و موسیقی متمایل شوند.

کلان برنامه ۲: به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای بهبود قانونگذاری در حوزه فرهنگ

این کلان برنامه به معنای استفاده از فناوری‌های نوین برای بهبود فرآیندهای نظارتی، قانونگذاری و تنظیم مقررات در ساختار فرهنگی است؛ بویژه در زمینه‌هایی مانند شفافیت اداری، جلوگیری از فساد و ارتقای کارآمدی. در این راستا، علاوه بر راه‌اندازی مجدد کمیته شفاف‌سازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره چهاردهم اصلاح بنیادی مجوزها را در دستور کار قرار داده است.

از اقدامات انجام‌شده برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بویژه هوش مصنوعی، می‌توان به حمایت از اقتصاد دیجیتال فرهنگ و هنر، توانمندسازی کارکنان، ارائه ۲۱ طرح هوش مصنوعی در حوزه فرهنگ و رسانه، رونمایی از سامانه نرستان هنرهای زیبا و برگزاری جشنواره‌های مجازی رودوسی و کارگاه سواد فضای مجازی اشاره کرد. همچنین دوره‌های آموزشی و وبینارهای مختلف برگزار شد. توسعه سکوهای مبتنی بر نوآوری و فناوری برای بهبود مدیریت تولید و توزیع فرهنگی از دیگر اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم است که در این زمینه تاکنون فعالیت‌های مختلفی انجام پذیرفته است از جمله برگزاری دهمین جشنواره بازی‌های رایانه‌ای فجر، ششمین همایش ملی سواد فضای مجازی با محوریت «فرهنگ در عصر هوش مصنوعی» و...

در خصوص برنامه کاربست فناوری‌های نوین برای بهبود تنظیم‌گری و مقررات گذاری، اقدام دیگری تحت عنوان الحاق ظرفیت‌ها و فرصت‌های فناوری‌های نوین برای نوسازی و انسجام بخشی ساختارهای عرصه فرهنگ تعریف شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به احداث کارپری‌های فرهنگی که هزینه (بلک‌باکس، نگارخانه)، ارائه کلان طرح



عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم حاوی ۴ رکن است: مردمی سازی و عدالت فرهنگی، به‌کارگیری قواننگذاری، رونق اقتصاد فرهنگی و توسعه صادرات فرهنگی و پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی-اسلامی.

کلان برنامه ۳: رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی

حوزه دیپلماسی فرهنگی

در دوره وزارت صالحی در دولت چهاردهم دیپلماسی فرهنگی یکی از اولویت‌های اصلی او در روابط بین الملل قرار گرفت. دیپلماسی فرهنگی مورد نظر او با تقویت و بازسازی راینزنی های فرهنگی و استفاده از ظرفیت های رسانه ای و هنری ثابت کرده است که به ترویج فرهنگ ایران در سطح جهانی و تقویت روابط فرهنگی با کشورهای مختلف در ابعاد مختلف اجتماعی، هنری و علمی باورمند است. از دیگر اقداماتی که در حوزه دیپلماسی فرهنگی صورت گرفته است می توان به انجام فعالیت های چندجانبه در حوزه جویایز بین المللی، گفتگوی ادیان، فرهنگ با برگزارای جایزه جهانی شهید صدر، برگزاری همایش بین‌المللی مکتب نصرالله با حضور بیست کشور، شرکت در اجلاس بین‌المللی ارتباط متقابل زمان ها و تمدن‌ها بر مبنای صلح و توسعه در ترکمنستان اشاره کرد.

به صورت کلی، انجام فعالیت‌های چندجانبه در حوزه جویایز بین‌المللی، گفتگوی ادیان، فرهنگ‌ها و حقوق بشر، تدوین و تصویب اسناد در حوزه حکمرانی امور فرهنگی، دیدار با نمایندگان و سفرای خارجی مقیم ایران و برگزاری هفته‌های فرهنگی و همچنین سیاست‌گذاری از طریق جشنواره‌ها از مهم‌ترین اقدامات در جهت دستیابی به برنامه کلان دیپلماسی فرهنگی بوده است.



«زیست‌بوم سالم و ایمن فضای مجازی» یا تأکید بر کودک و نوجوان و... اشاره کرد.
کلان برنامه ۳: رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی
در این کلان برنامه شکل‌گیری زیست بوم اقتصاد فرهنگ ضروری مورد توجه قرار گرفته است. در واقع یکی از مهم‌ترین مشکلات فرهنگی عدم بسترسازی مناسب برای رشد اقتصادی فرهنگ بوده است. نبود سیاست‌های حمایتی، عدم سرمایه‌گذاری‌های کافی، ضعف زیرساخت‌های قانونی و مالی و نداشتن ارتباط مؤثر بین بخش‌های فرهنگی و موجرین می‌شود که در این فعالیت‌های فرهنگی و هنری نتوانند به یک اکوسیستم اقتصادی پایدار تبدیل شوند.

بدون تردید رونق اقتصاد فرهنگ را بدون توسعه صادرات فرهنگی نمی‌توان

گفت‌وگوی جامعه محور دستور کار صالحی



رضا دبیری‌نژاد
رئیس موزه هنرهای معاصر تهران

شاید بتوان مهم‌ترین رویکرد حوزه فرهنگ و هنر را در یک سال گذشته، تلاش برای ارتباط بیشتر با اهالی هنر قلمداد کرد. در سال‌های گذشته فاصله‌ای میان مدیریت هنری و اکثریت اهالی هنر به وجود آمده بود و حتی احساسی از بی‌نیازی میان هنرمندان و مدیریت هنری شکل گرفته بود و هر کدام به خود بسنده کرده بودند اما در یک سال گذشته مدیریت هنری وظیفه خود دانسته است که به سمت هنرمندان خوددانش‌گرفته شود و دست خود را به سوی آنها دراز کند. در واقع می‌توان

دو رویکرد را در مدیریت هنری در نظر گرفت؛ نگاه اول که مدیریت را معطوف به خود و سازمان می‌داند و تنها خود را به سازمان پاسخگو می‌داند و به دنبال کاهش پاسخگویی خود است تا فضایی کم در دستر را ی کند و چندان چالش نداشته باشد. در این رویکرد می‌توان با یک نگاه نچارگونه به خروجی‌های محدود و مشخص بسنده و از خلاقیت پرهمیز کرد و با یک نگاه نگراری و حداقلی پیش رفت. خود

این تصور هنری در مورد می‌انگار د و به یک کاربری از هنر بسند می‌کند و شرکت در نگرش هنری را از حوزه کاری و رسمی خود دور می‌سازد. اما کنشش دوم خود را معیار تشخیص و انتخاب هنر و هنرمندان باید داند و با نگاهی ابرگونه وظیفه می‌داند که به همه هنرمندان پاسخگو باشد. در این حالت مدیریت هنری متولی گرایش خاصی از هنر نیست بلکه باید به واقعیت هنر زمانه خویش توجه کند و برای توسعه و پویایی هنر روز تلاش کند و مدیریت نباید معطوف به سلیقه شخصی باشد. در واقع مدیریت فرهنگی و هنری نمی‌تواند جدای از جامعه‌ای باشد که در آن قرار دارد و مدیریت هنری را یک مدیریت اجتماعی می‌داند برای همین با شناخت اجتماعی باید عمل کند.

در یک سال گذشته می‌توان این تغییر نگاه از سویه درون سازمانی به برون سازمانی را مشاهده کرد. نگاه عادت زده‌ای که برخی جشنواره‌ها، رویدادها و حتی متولیان برگزاری این رویدادها به آن عادت کرده بودند و گویی هنر بدون این جشنواره‌ها و رویدادها و برگزارکنندگان آنها ممکن نیست و امتداد فعالیت‌های یک با دو دهه گذشته بود در حالی که طی این دو دهه شاهد تغییرات فراوان در فضای فرهنگی بوده‌ایم و دیدگر رفتارهای پیشینی و عادت زده آن اثربخش نیست. در حالی که برخی بودن و حفظ این رویدادها را این اثر می‌دانند اما در نگاه جامعه محور تأثیر این رویدادها مسأله و موضوع است و در این صورت باید در ماهیت فعالیت‌ها بازنگری کرد و حتی باید نگاه‌های تازه‌ای را وارد این فضاها نمود. قطعاً تغییر این رویدادها و بویژه برخی متولیان پایدار آنها با واکنش‌هایی روبه‌رو خواهد بود چنان که در یک سال گذشته نیز بوده است اما اگر به زایش اجتماعی و واقعیت اجتماعی معتقد هستیم باید این تغییرات را بپذیریم واقعیت اجتماعی مسیر خود را خواهد رفت و مدیریت فرهنگی درک این واقعیت‌ها و برنامه‌ریزی بر اساس فضای جامعه است وگرنه جامعه از

مدیریت فرهنگی فاصله می‌گیرد و دچار یک تقابل جدی می‌شود. مدیریت هنری در یک سال گذشته به دنبال کاهش این تقابل بوده است.

درک واقعیت اجتماعی یعنی توجه تغییرات نسل‌ها و هنرمندان جوانی که آینده هنر ا می‌سازند. درک واقعیت اجتماعی یعنی توجه به نیاز و حضور گروه‌های متنوع و حتی متفاوت همچون زنان هنرمند که امروزه تنها حق اولیت در جامعه هنری نیستند و در همه حوزه‌های هنر نقش فراگیر دارند و باید به کنشگری جدی آنها در این عرصه توجه کرد و یا توجه به هنرمندانی که به مثابه سرمایه فرهنگی از فعالیت فرهنگی به طور خودخواسته و یا ناخواسته دور مانده‌اند.

شکل‌گیری هنر نمند نیازمند تجربه و سرمایه‌گذاری جامعه طی سالیان بسیار است و کنار رفتن هنر نمند نیز از دست رفتن این سرمایه‌گذاری است از آن رو نباید به راحتی آن را پذیرفت بلکه باید زمینه نگه داشت آنها را فراهم کرد. این نگه‌داشت به معنای وظیفه مدیریت فرهنگی و هنری نیازمند جسارت و خارج شدن از حاشیه آن و قنایت است چرا که می‌تواند تقابل‌های خود را داشته باشد اما همین چهره‌ها و حضور آنها هست که پویایی و زندگی عرصه هنر را ایجاد می‌کند و به این جامعه احساس سرزندگی می‌دهد. حضور برخی چهره‌های هنری که طی سال‌ها از فعالیت هنری فاصله گرفته بودند آغاز این مسیر در یک سال گذشته بوده است. در فضای فاصله گرفته حاضر ایجاد امید و زمینه گفت‌وگو خود مهم‌ترین برنامه برای کاهش فاصله و ایجاد امید در جامعه هنری است. ممکن است جاهایی این گفت‌وگو شکل گرفته باشد و جاهایی نیز به عدم پاسخ انجامیده باشد اما همین حضور در فضاهای گوناگون و حتی تلاش برای احیای رویدادهای مشارکتی مختلف خود بخشی از این تلاش‌ها بوده است.

وقتی به سمت کنشگری اجتماعی می‌روی حساسیت‌ها و چالش‌های خواهد بود که در یک سال گذشته نیز بوده است اما همین چالش‌ها و نقدها خود مرحله گذر و نشان از تغییر وضعیت است وگرته می‌توانست در سکوت و بدون عکس العمل جامعه هنری که حاصل فاصله است بگذرد. مدیریت هنری وقتی می‌پذیرد که متولی و ذی‌نفعان اصلی این فضا هنرمندان هستند باید نگاه خود را معطوف به آنها می‌ساخت و نقد و نظر-آنها را هم می‌پذیرفت. تغییر در فرآیندها و متولیان عادت زده نیز بخشی از رویه برای روزآمدی و خلق نگرش‌های نو بوده است تا از انتفاع سازمانی به انتفاع اجتماعی برسیم. در زمانه نسل‌های جوان و دنیای مجازی و کاهش فاصله بین‌المللی مدیریت فرهنگی جامعه محور گامی برای پویایی فرهنگی جامعه و همبستگی اجتماعی است که باعث ثبات جامعه می‌شود و در بزنگاه‌های می‌تواند نقش خود را نشان دهد. نگاه اجمالی به یک سال گذشته نشان می‌دهد مسیر جدیدی شکل گرفته و نگاه تازه‌ای به وجود آمده است اما این مسیر نیازمند پشتیبانی‌ها و گشایش‌های جدی سازمان و بعد از سوی هنرمندان است که نه‌ایات جامعه است که هر سه اینها می‌تواند چالش اقربن باشد چنان که بوده است اما درک واقعیت اجتماعی با تغییر نسل‌ها، رسانه‌ها، ابزارهای نوین هنری، تهدیدها و کنرت نگرش‌ها غیرممکن است. مهم‌ترین دستاورد یک سال گذشته مدیریت هنری گفت‌وگو جامعه محور و توجه به نگرش‌های مختلف بوده است.



توسعه کمی و کیفی آموزش های هنری



محمد حسین اسعاری
مدیرکل آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همه جنبه‌های زنده و پویای جامعه ارتباط محسوس و نامحسوس دارد. فرهنگ در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، صنعتی، ارتباطات و تعاملات، تاباوری، نشاط و... نقش آفرین و اثربخش است و لذا باید وزارت فرهنگ از این حیث نقش آفرین باشد. در این میان آموزش به عنوان زیربنای حوزه فرهنگ و هنر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هر جا که آموزش قدر ببند، بی‌شک فرهنگ و هنر بر صدر نشیند و بر این اساس نگاه تحولی به آموزش، می‌تواند نقطه آغاز تحول در حوزه فرهنگی و اجتماعی باشد. براین مبنا و در دوره جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم، طرح تحول آموزش‌های فرهنگی و هنری در دستورکار قرار گرفته است.

پرهیز از تصدی‌گری و تقویت بعد حمایتی

تغییر مسیر از تصدی‌گری به تنظیم‌گری و تقویت نقش حمایتی در حوزه آموزش، مهم‌ترین سیاست در این راستاست. بر این اساس، تمامی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های آموزشی در دوره جدید با مشارکت جدی ذی‌نفعان و متخصصان از طریق تشکیل کارگروه‌های تخصصی صورت می‌پذیرد. تشکیل کارگروه‌های تجزیه و تحلیل جزف و مشاغل هنری و کارگروه‌های تخصصی تدوین استانداردهای شایستگی و ارزشیابی و آموزشی در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری در این راستا صورت پذیرفت.

شناسایی و حمایت از استعدادها، نخبگان و پیشکسوتان حوزه آموزش هنر

نگاه جامع به همه عوامل و دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوزه آموزش هنر دیگر سیاستی است که در این دوره بنا نهاده شد. شناسایی و حمایت از استعدادها و نخبگان هنری از طریق طراحی و اجرای رویداد المپیاد هنر ویزه هنرجویان مراکز آموزشی و توجه به مدیران و مربیان مراکز آموزشی و پیشکسوتان و مفاخر آموزش هنر از طریق طراحی و اجرای رویداد جایزه سرو ایرانی محقق شد. همچنین در طرح ملی گنجینه آموزش هنر که از سال گذشته اجرایی شد، سبک‌های آموزشی هنرمندان و اساتید برجسته در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری مستندسازی می‌شود.

نگاه جامع به همه عوامل و دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوزه آموزش هنر دیگر سیاستی است که در این دوره بنا نهاده شد. شناسایی و حمایت از استعدادها و نخبگان هنری از طریق طراحی و اجرای رویداد المپیاد هنر ویزه هنرجویان مراکز آموزشی و توجه به مدیران و مربیان مراکز آموزشی و پیشکسوتان و مفاخر آموزش هنر از طریق طراحی و اجرای رویداد جایزه سرو ایرانی محقق شد. همچنین در طرح ملی گنجینه آموزش هنر که از سال گذشته اجرایی شد، سبک‌های آموزشی هنرمندان و اساتید برجسته در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری مستندسازی می‌شود.